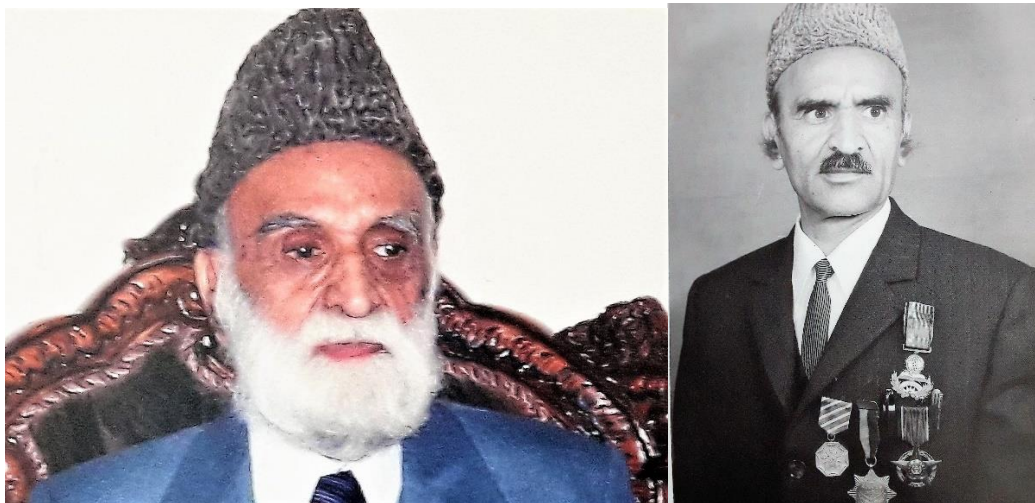


9 جنوری 2021

داکتر سید عبدالله کاظم

نگاهی بر زندگینامه و آثار استاد عزیزالدین وکیلی پوپلزائی

استاد عزیزالدین وکیلی پوپلزائی (در این نوشته برای سهولت کار به "استاد پوپلزائی" خلاصه میگردد) یکی از مشاهیر هنر خطاطی و یکی از مورخان برجسته تاریخ معاصر کشور است که در طول زندگی پر بار در هر دو ساحه آثار با ارزش از خود بجا مانده و نام جاودان برای خود کمائی کرده است. او در هنر خطاطی به خطاط "هفت قلمی" شهرت داشته و در بررسی تاریخ معاصر افغانستان سبک خاص خود را تاحدی متفاوت از دیگران به پیش برده و با کمال واقع بینی به نکاتی عطف توجه کرده که کمتر مؤرخ دیگر به شرح و بسط آن ساحات پرداخته است.



استاد پوپلزائی بتاريخ 16 سنبله سال 1297 ش در محلی مشهور به "قلعه دیوان بیگی" در حواشی شهر کابل در یک خانواده سرشناس چشم بدنیا گشود و سالهای متمادی در همان قلعه قدیمی که یادگار بزرگان خانواده او بود، بزرگ شد و به کمال رسید. او تا سال 1364 ش (1985م) که برج بلند آن قلعه آماج فیر راکت قرار گرفت و تخریب شد، با گنجینه ای از ذخایر اسناد تاریخی که میراث فرهنگی اسلافش بود و تمام دار و ندار زندگی اش را می ساخت، در همان جا اقامت داشت. خوشبختانه این رویداد خساره جانی به همراه نداشت و استاد با ذخیره اسناد تاریخی و آثار خود آن محل را ترک کرد و با خانم و یکی از فرزندان خود به "میکروریان" در یک آپارتمان سکونت گزین شد و در همان جا بتاريخ 21 جوزای سال 1378 ش (10 جون 2008م) به عمر 90 سالگی چشم از جهان پوشید و در حوضیره آبائی شان در جوار قلعه دیوان بیگی به خاک سپرده شد. (یاد شان گرامی و روح شان شاد و فردوس برین جای شان باد!!)

د پانو شمیره: له 1 تر 12

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلېکنې دلېکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولئ

وقتی سخن از قلعه "دیوان بیگی" و اسلاف استاد به میان می آید، لازم می افتد کمی در باره روشنی انداخت: استاد عزیزالدین وکیلی پوپلزائی از احفاد شخصیت نامدار تاریخی سردار عبدالله خان دیوان بیگی وکیل الدوله عصر اعلیحضرت تیمورشاه درانی است که همراه با اعلیحضرت موصوف از قندهار به کابل نقل مکان کرد و در محلی که بنام او مسمی گردید یعنی کوچه "دیوان بیگی" در محله ای مشهور "شوربازار" کابل برای خود اقامتگاه ساخت و در عین زمان برای اقامت عمله ای خود در چند محل بیرون شهر به اعمار قلعه ها پرداخت که یکی آن همان قلعه مشهور به "دیوان بیگی" در حومه چهاردهی کابل است که بعد ها این قلعه به پدر کلان استاد به میراث رسید.



(نمای از برج قلعه دیوان بیگی و برلوحه مزار استاد متن فوق به خط یکی از شاگردان او نوشته و حک شده است)

در شجره خانوادگی استاد وکیلی پوپلزائی آمده است که پدرش نظام الدین خان پسر سردار فقیر محمد خان - پسر سردار محمد عمرخان پسر سردار محمد کلان خان پسر سردار محمد علم خان وکیل الدوله پسر سردار عبدالله خان دیوان بیگی بود. "دیوان اعلی" مقام بزرگ اداری آن عصر محسوب می شد و همه امور شهنشاهی زیر امر این مقام صورت میگرفت و در راس آن شخصی با لقب "دیوان بیگی" قرار داشت که در واقع حیثیت صدراعظم را دارا بود. ذکر مختصر شجره نسبی فوق از این لحاظ مهم است که گنجینه اسناد تاریخی استاد پوپلزائی همانا میراثی است که از اجدادش بازمانده و به سلسله در دست سردار فقیرمحمد خان پدر کلان استاد رسیده و استاد با استفاده از این مدارک و همچنان آثار و نوشته های نویسندگان متقدم به تألیف و تدوین کتابهای مستند خود درباره رویداد مهم عده ای از شاهان سدوزائی پرداخته است که از جمله مهمترین آنها کتاب "ابدالیان قندهار قبل از احمدشاه بابا"، "احمد شاه وارث مجدد امپراتوری افغانستان"، "تیمورشاه درانی"، "درة الزمان" (یا تاریخ زمان شاه) و "دارالقضاء در افغانستان" میباشند.

از آنجائیکه اکثر اسناد آن دوره به قلم و به شیوه "خط شکست" نوشته شده بودند، علاقه فراوان به مطالعه این اسناد استاد پوپلزائی را از همان جوانی بسوی هنر خطاطی کشانید و آشنائی با خط شکست راز موفقیت او در استفاده از این اسناد تاریخی بود. علاوه چون پدر و پدرکلان استاد همه شایق رویداد های تاریخی بودند، استاد از وجود آنها برای اكمال معلومات و نیز نوق تتبع و نگارش بهره جست و به نوشتن کتب متعدد تاریخی دوره سدوزائی پرداخت.

بدون شک یکی از مهمترین آثار استاد پوپلزائی همانا کتاب "تیمورشاه درانی" است که چاپ اول آن در سال 1333ش بطور مختصر صورت گرفت و اما چاپ دوم آن در سال 1346ش از طرف انجمن

تاریخ با شرح و بسط بسیار در دو جلد و جمعاً در 727 صفحه به طبع رسید. چاپ سوم این کتاب سالها بعد در پشاور بطور فشرده و خلاصه عرضه شد. درباره محتوای این کتاب - طوریکه استاد در مقدمه چاپ دوم می نویسد: «این کتاب هرچند بنام تاریخ تیمور شاه است، ولی در حقیقت تاریخ معارف، مساجد، محاکم، دفاتر، عساکر، قبایل، صنایع، عرف و عادات، رسوم و رواج مردم نجیب افغانستان در دو قرن پیش است.»

استاد پوپلزائی در آن مقدمه به یک نکته مهم اشاره میکند و می افزاید: «گزارش دوقرن اخیر از نگاه نزدیکی وقت هرچند به نظر عوام آسان مینماید، ولی از لحاظ تشنت و پراگندگی مآخذ و مراعات اکثر نزاکت ها بمراتب دشوار است، چه در دوصد سال گذشته به لحاظ انتقال سلطنت از یک برادر به دیگر برادر و مخصوصاً خاندان سدوزائی (قوم پوپلزائی) به خاندان محمد زائی (قوم بارکزائی) و عزل و نصب سلاطین هر دو قبیله جلیله، از روی اقتضات وقت، اکثر منشیان و وقایع نگاران حضور علناً نتوانسته اند آثار فراهم آورده خود را در دوره های انتقالی بمیدان بکشانند و یا بجایها بسپارند، و آنچه درخاندان های بزرگ و در نزد نویسندگان احفاد مقرب دربار سلاطین و اعزام درانی محفوظ و مخصوص بود، در اوقات ناملاطم مفقود و مندرس گردید و بیشتر بدست چپاولگران و بیگانگان افتاد و قسمتی هم از فرط بی مبالاتی حیف و میل گردید و هم از روی نبودن وسایل طبع و نشر در پرده اخفا گذاشته شد.»

او در ادامه می نویسد: «از همین چند دلیل در راه اکمال تاریخ دوره جدید کمتر قدم و قلم برداشته شده و هم کمتر اطلاعات مؤثق در هر باب بحفظ خاطر مانده است و بروی این تجارب که مبادا یادداشت ها و آثار و ذخایر موجود هم با اندک کم توجهی دیگر بعد از این رو به یفقدان گذارد، در اطراف وقایع و گزارش قرن 18 و 19 وطن بنوبه خویش متوجه شدم و دانستم مؤرخ و یا منتبعی که اگر بکارهای آغاز نشده و دست نخورده تاریخ اقدام می ورزد، از طریق ایجاد مواد و مفردات مضامین بکر و قضایای حل نشده مملکت، موفقیت بهتر از امثال کمائی میکند.» در این ارتباط استاد اعتراف مینماید که: «برارباب مطالعه میتوان با مباحثات و عده داد که دوره سلطنت سدوزائی از مفاخر ملی و اجتماعی در هر امر بی نیاز است، مگر من آنچه را سراغ داشتم درین مرور با هر قدر تپش و تلاش بیشتر ازین نیافتم و خالیگاه های تاریخ را بحسد و قیاس و تقریب و تخمین پوره نکردم و شاید رمز آشنایان [مقصد از نخبگان و محققان است - کاظم] باین اشارت اکتفا ورزند و بعد ازین با کمال نقایصی که من امروز بنا بر عدم دستیاب نمودن مآخذ بیشتر قدرت خدمت بهتر نیافته ام، بکوشند و کمبود های اثر مرا نه از عدم رسائی فکر، بلکه از عدم وسایط کافی و بعضی موانع نشراتی بشمارند.» (کتاب "تیمورشاه درانی"، چاپ دوم، صفحات 15، 16 و 17)

نکته دیگری که در علاقمندی استاد پوپلزائی در مورد نگارش چند کتاب مهم مربوط به عصر امانی قابل ذکر میباشد، نزدیکی پدر کلان و پدر استاد به دربار امیرحبیب الله خان سراج و سپس در دوره شاه امان الله غازی بوده است که علاقمندی جدی استاد را در بررسی رویداد های آن دوره برانگیخته و بعداً با وجود حساسیت های زیاد در دوره های بعد از سقوط شاه امان الله غازی چند اثر مهم تاریخی را پیرامون رویدادهای مهم آن دوره نوشت که همه در سالهای اخیر به چاپ رسیدند. همچنان روابط ضمنی خانوادگی نیز به شیفتگی و علاقمندی خاص استاد به رویدادهای عصر امانی اثر گذار بود، زیرا یکی از خواهران سردار فقیر محمد خان مسماة "بینظیر سلطان" در عصر امیر شیرعلی خان به عقد شاغاسی شیردلخان لویناب درآمد و یکی از دختران شیردلخان لویناب از بطن همین خان مسماة

"سرورسلطان" به تقاضای امیر عبدالرحمن به عقد پسرش شهزاده حبیب الله خان (بعداً امیر و ملقب به سراج الملة و الدین) درآمد که به "علیا حضرت سراج الخواتین" ملقب گردید که همانا مادرشاه امان الله غازی است. علاوه بر یکی از دختران سردار فقیر محمد خان مسماء "مزاری" با محمدولی خان دروازی وکیل سلطنت و شخصیت سرشناس عصر امانی ازدواج کرد و شخص سردار فقیر محمد خان که شاه امان الله او را با اعزاز "مامای کرام" خطاب میکرد، مرد معزز دبار بود. پسرش نظام الدین خان پدراستاد پوپلزائی به همین سلسله یکی از مقربان دربار شاه امان الله گردید که نخست به حیث ناظر نقلیه و سپس به امریت دفتر شاه مقرر شد و یکی از شخصیت های کلیدی و مورد اعتماد شاه موصوف بود.

استاد پوپلزائی به همین ارتباط سخت شیفته تحولات عمیق دوره طلائی شاه امان الله گردید و در جمع آوری اسناد تاریخی آن دوره پرداخت و تألیف چهار عنوان کتاب مهم نتیجه همین علاقمندی او به دوره امانی میباشد: کتاب "سفرهای غازی امان الله شاه در دوازده کشور آسیا و اروپا 1306 - 1307" بار اول در سال 1364 در کابل و بار دوم در 1379 در پشاور چاپ شد، کتاب "نگاهی به تاریخ استرداد استقلال افغانستان" و کتاب قطور دیگر استاد تحت عنوان "فرهنگ کابل باستان" است که شامل رویداد های عمده دوره سلطنت امیر عبدالرحمن خان و امیر حبیب الله خان شهید و اما قسمت بیشتر آن به رویدادهای مهم دوره امانی اختصاص دارد، در دو جلد و جمعاً 1321 صفحه در سال 1387 مقارن به سال وفات استاد از طرف وزارت اطلاعات و فرهنگ به نشر رسید. کتاب اخیر او تحت عنوان "سلطنت امان الله شاه و استقلال مجدد افغانستان" در دو بخش و جمعاً 1152 صفحه در سال 1396 چندسال بعدتر از وفات استاد بوسیله آکادمی علامه رشاد در قندهار چاپ شد که مختص به گزارشات دوره امانی میباشد و به شکل "کرونولوژیک" یعنی ذکر واقعات سال بسال تدوین گردیده است.

استاد پوپلزائی در پیشگفتار کتاب اخیرالذکر خود ("سلطنت امان الله شاه و استقلال مجدد افغانستان" جلد اول - صفحه 26) از توصیه و نقش پدرش در نوشتن کتاب مذکور شرحی مختصری دارد و می نگارد: «این ثابت است که مردان بزرگ و نوابغ در هر عصر از دو گروه موافق و مخالف برکنار نمانده اند و از آن جمله رهبران و قهرمانان بزرگ یکی امان الله شاه غازی است که از روز جلوس تا ختم سلطنت به دو گروه مخالف و موافق برخورد کرده است، از جمله رجال موافق آن شاه شهید یکی هم الحاج نظام الدین پدر نویسنده [کتاب] است... و این مبصر حوادث و گزارش آن روزگار چون در دوران فعالیت های عهد امانیه اشتراک داشت، ذخیره هوش و خرد و تجربه ملی و درباری و هم آثار جمع آورده و اندوخته این شخص مقرب و معتمد دولت و حکومت آنقدر تأثیر نمود که موجب شد این کمترین (عزیزالدین وکیلی پوپلزائی) مطابق به مقتضای فکر پدر به تألیف و ترتیب صفحات این کتاب توفیق یابم. موصوف که بدون اغراض و مقاصد شخصی و محض به نیت خدمت به افغانستان و قدردانی از رهبر فداکار آن، یکی هم نوشتن این کتاب را به ذمت سپرده و توصیه فرموده است.»

استاد در ادامه پیشگفتار خود می افزاید: «پدرم نظر به موانع مطبوعاتی سالهای 1308 ش تا 1344 خودش باین کار دست نیافت و اما یادداشت هایی که بمن سپرد و هم اینکه به معرفت اوشان از چند نفر شخصیت های هم عصر دولت امانیه استفاده فکری نموده ام، وظیفه ملی مرحومی بجا گردید، چرا که افشاء خصوصیات دوره امانیه تا مدت بیست سال بعد انقراض آن دولت کار آسان نبود و نوشتن تاریخ آن دوره هم از عهده و صلاحیت هر فرد شناخته نمی شد و خود در زمانی که امان الله

شاه غازی هنوز حیات داشت به ترتیب و جمع آوری اکثر محتویات این تذکار دست یافتم و آن روزگار ترقی جوانی من و به تألیف و طبع دیگر آثار اشتغال داشتم و در ضمن همان مؤلفات نیز تاحد توان در قسمت تاریخ امانیه خدمت کرده ام.»

از آنجائیکه شخص استاد و خانواده او بعد از سقوط دوره امانی بخصوص در دوره سلطنت محمد نادرشاه و محمدظاهرشاه به چشم حامیان امانی دیده می شدند، نتوانستند در دستگاه حکومت از قرب و مقام برخوردار شوند و از نظر اقتصادی نیز صاحب اندوخته فراوان نبودند. با وفات پدرش در سال 1344ش مسئولیت بزرگتر فامیلی نیز تاحدی بردوش استاد افتاد و صرف با یک معاش متوسط به حیث خطاط در مطبوعه دولتی و بعضی دفاتر دیگر امرار معاش میکرد. با آنکه استاد به سلسله ترفیعات رتب اداری تا رتبه اول ارتقا نمود و نیز یکبار به حیث رئیس مطبوعه "بیهقی" مقرر شد، اما توان مالی او در حدی نبود که بتواند آثار خود را بطور شخصی به چاپ برساند. تا آنکه در سالهای بعد توانست توجه مقامات حکومتی را به تألیفات خود جلب کند و چاپ چند کتاب او که بیشتر به تاریخ دوره شاهان سدوزائی اختصاص داشت، از طریق وزارت مطبوعات و بعداً وزارت اطلاعات و کلتور صورت گرفت و استاد ناگزیر برای تقدیر از این اقدام حکومت در آغاز بعضی کتابهای منتشره خود در آنوقت از شاه و سلطنت به پاس امتنان یاد آوری کرده است. بیشترین آثار استاد در باره رویدادهای دوران سلطنت شاه امان الله غازی برطبق پالیسی نشراتی در زمان رژیم خلقی - پرچی چاپ شدند و تعداد دیگر آثار او در سالهای اخیر مورد توجه قرار گرفتند و از طریق موسسات نشراتی دولتی و نیز بعضی مؤسسات فرهنگی دیگر به نشر رسیدند.

مسلم است که برای بررسی رویدادهای تاریخ معاصر افغانستان که از سلطنت احمد شاه بابا (1126ش مطابق 1747م) آغاز و تا امروز را دربر میگیرد، عده ای از مؤرخان افغان از جمله علامه فیض محمد کاتب، مرحوم میرغلام محمد غبار و استاد عزیزالدین وکیلی پوپلزائی هر یک با شیوه تاریخی نگاری خاص خودشان خدمات با ارزشی انجام داده و میراث بزرگی از خود بجا گذاشته اند، چنان که مؤرخان بعدی از آثار آنها فیض برده و به حیث مأخذ استفاده کرده و در روشنی آن به تدقیق و تحقیق مزید در زمینه پرداخته اند که قابل ستایش و یادآور است.

علامه فیض محمد کاتب به حیث واقعه نگار رسمی درباراگر سراج التواریخ را نمی نوشت، بسا نکات مهم تاریخ معاصر کشور اکنون در تاریکی قرار میداشتند. به همین ترتیب مرحوم غبار با نوشتن "افغانستان در مسیر تاریخ" که یک قسمت آن مربوط تاریخ قدیم و اما قسمت دیگر آن به مباحث تحلیل تاریخ معاصر کشور بخصوص تأثیرگذاری رویداد های بیرونی تحت الشعاع رقابت های روس و انگلیس و تهاجم قوای انگلیس در کشور و جنک های داخلی اختصاص یافته، خدمت بزرگی در این راستا انجام داده و آن کتاب یک مأخذ معتبردیگریست که با شیوه تحلیلی خاص خود نویسنده به قید قلم آمده و مورد استفاده دیگر محققان تاریخ کشور قرار گرفته است.

همچنان به همین سلسله کتب متعدد استاد پوپلزائی از جمله آثار مهمی اند که بر زوایای تاریک تاریخ معاصر کشور بخصوص در دوره شاهان سدوزائی و نیز دوره سلطنت شاه امان الله غازی روشنی انداخته و به حیث مأخذ معتبر مورد استفاده قرار گرفته اند که از جمله میتوان از کتاب های: "ابدالیان قندهار قبل از احمدشاه کبیر"، "احمد شاه وارث مجدد امپراتوری افغانستان"، "تیمورشاه درانی" و "درة الزمان" را در باره تاریخ عصر سدوزائی ها و نیز کتاب "فرهنگ کابل باستان" و کتاب "سلطنت امان الله شاه و استقلال مجدد افغانستان" را نام برد که همه از بهترین مأخذ تاریخی در زمینه محسوب

میشوند. تعداد آثار چاپ شده استاد پوپلزائی به 19 کتاب اکثراً قطور و بعضاً در دو جلد میرسند که تعدادی از آنها بار دوم و حتی سوم به چاپ رسیده اند. (لست آنها در ختم این نوشته با عکس های روی جلد هریک تقدیم میگردند.)

استاد پوپلزائی چند ماه پس از شهادت امیرحبیب الله خان سراج الملة و به سلطنت رسیدن شهزاده امان الله خان عین الدوله بدینا آمد، هنوز ده ساله بود و صنف چهارم ابتدائیه را تمام نکرده بود که دروازه های مکاتب در عصر سقاوی مسدود گردیدند و مدت 9 ماه کشور بخصوص شهر کابل آماج خودسری ها و مصیبت های بزرگ قرار گرفت. پس از سقوط این دوره بازهم مدتی برای خانواده های هوادار شاه امان الله فرصت لازم تحصیل چندان مهیا نبود، با آنهم استاد توانست چند سال دیگر مکتب را ادامه دهد و از آن به بعد ناگزیر برای امرار معاش به شغل خطاطی به حیث مامور دولت در مطبعه دولتی مصروف کار شد. به این اساس استاد پوپلزائی محروم از تحصیلات عالی ماند و فقط با تلاش شخصی و حمایت پدر به کسب دانش و مطالعات تاریخی پرداخت و در این میان توانست هنر خطاطی را به اوجش برساند که به حیث "خطاط هفت قلمی" یکی از مشاهیر خطاطی در کشور گردید.

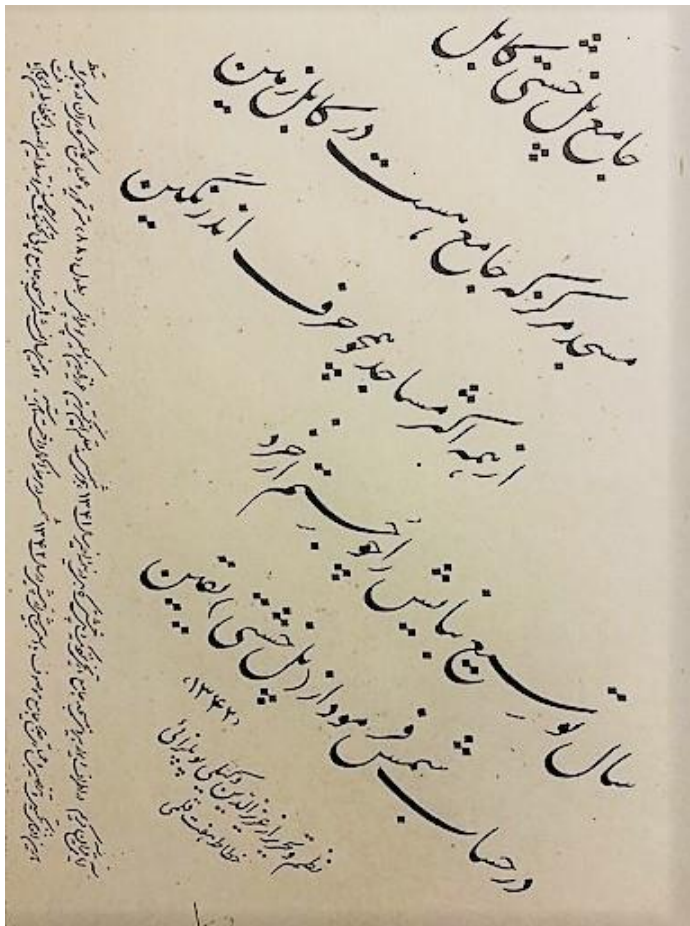
به جرأت میتوان گفت که او یک مؤرخ خود پرورده، یک نویسنده توانا، یک خطاط نامدار و ضمناً یک ادیب صاحب استعداد بود. نگاهی به کتاب "تیمورشاه درانی" - یکی از مهمترین آثار استاد بدون شک شاهد استعداد ادبی و فرهنگی او بوده، بخصوص شناخت خانواده های بزرگ و ذکر شجره هریک آنها و نیز شرح و بسط مباحث اجتماعی در واقع او را به حیث یک "انثروپولوژیست" خود پرورده تبارز میدهد، زیرا نکاتی که در این کتاب مطرح گردیده فراتر از یک کتاب تاریخ رویدادهای سیاسی آن دوره بوده و بیشتر شباهت بیک قاموس لغات و اصطلاحات خاص معمول و القاب و مقامهای حکومتی آنوقت دارد که در هیچ کتاب دیگر به همان وسعت و دقت مطرح نشده است، چنانچه خودش در مقدمه آن می نویسد: « این کتاب هرچند بنام تاریخ تیمورشاه است، ولی در حقیقت تاریخ معارف، مساجد، محاکم، دفاتر، عساکر، قبایل، صنایع، عرف و عادات، رسوم و رواج مردم نجیب افغانستان در دو قرن پیش است.»

استاد پوپلزائی روش معادلت تقویم و سوابق استخراج آنرا در یک کتاب دیگر خود به بررسی گرفته و مطابقت سنوات هجری قمری را به هجری شمسی و میلادی (عیسوی) با کمال دقت در همه نوشته های خود ذکر کرده است، درحالیکه در آثارمؤرخان دیگر افغان سنه رویدادها یا به هجری قمری و یا به هجری شمسی و بعضاً تنها به سنه عیسوی ارائه شده اند که برای علاقمندان تاریخ مشکلات معادلت را ایجاد میکند. طورمثال در سراج التواریخ علامه فیض محمد کاتب ذکر سنوات و ماه ها را طبق معمول آنوقت صرف به اساس تقویم هجری قمری درج کرده، درحالیکه غبار به ذکر سنه میلادی (عیسوی) اکتفاء نموده و برخی دیگر بعد از آنکه در عصر امانی سنوات و ماه ها از تقویم هجری قمری به هجری شمسی تعدیل گردید، تاریخ وقوع رویدادها را به اساس سنه و بروج شمسی ارائه کردند که اینکار برای پیگیری دقیق تاریخ رویدادها موجب بروز مشکلات نزد بعضی ها گردیده است. اما استاد پوپلزائی برعکس دیگران به خود زحمت داده درعین زمان سنوات قمری، شمسی و عیسوی را در اکثر آثار خود تصریح کرده و رویدادهای تاریخی را با ذکر هر سه سنه ذکر نموده است.

استاد پوپلزائی از نظر خصوصیات شخصی مرد ظریف، صاحب حلاوت کلام، خوش صحبت و بسیار متواضع و شکسته نفس بود. به دنیای مادی چندان علاقه نداشت. بیشترین مصروفیت او با قلم و کاغذ بود. اتاق مخصوص برای خود در همان برج بلند قلعه دیوان بیگی داشت که کتابها، اسناد و

تمام وسایل نوشتن و خواندن او در همان اتاق با نظم خاص جابجا شده بود. او شخص مهمان نواز و عزیز دوست و نهایت مؤدب بود، با بزرگان بزرگ و با جوانان جوان و با اطفال بامحبت بروفق میل آنها رفتار میکرد. او با قامت بلند و اندام لاغر خود روزانه به گردش پیاده عادت داشت و همیشه فاصله های طولانی را پای پیاده طی میکرد و در رعایت رژیم غذایی خاص خود سخت پابند بود. او از جوانی شخص سحرخیز و همیشه عابد و نماز گذار و نسبتاً گوشه گیر بارآمده بود. تا سالهای اخیر عمر وقتی قلم در دست میگرفت، دستانش لرزه نداشت و اما در ده سال آخر به دلیل ضعف شنوایی کمتر حرف میزد و به همین دلیل از مصاحبه و دیدار با گزارشگران و اشتراک در مجالس و محافل مزدحم دوری می جست و نمیخواست در برابر کمره صحبت کند. او در سالهای آخر عمر به دلیل کهولت و درد کمرتاحدی زمین گیر شده بود و اما وقتی صحبت میکرد، صدایش مثل ایام جوانی رسا و بلند بود.

استاد هنوز بیست ساله نشده بود که در سال 1317ش به حیث مامور دولت در مطبعه عمومی کابل در امور خطاطی بکار آغاز کرد و دوره ماموریت او تا سال 1366 ش یعنی مدت تقریباً 50 سال ادامه



یافت و به سن هفتاد سالگی به تقاعد سوق داده شد. او در ازای خدمات فرهنگی خود با گرفتن چند مدال طی دوره های مختلف نایل آمد. استاد مدتی هم در دفتر اعلیحضرت محمد ظاهر شاه نیز در امور خطاطی مصروف بود.

استاد در طول زندگی پربار خود در کار خطاطی کتیبه ها در مساجد و سنگ قبور، طرح و دیزاین بعضی سرلوحه ها (لوگوها) برای مؤسسات و نیز خطاطی اشعار و عناوین کتب و لوحه ها و امثالهم با مراجع مختلف اعم از دولتی و خصوصی همکاری بی شائبه و بعضاً رضاکارانه کرده است، چنانکه برای دیزاین داخل مسجد جامع "پل خشتی" کابل آیات مبارکه قرآن مجید را به طول 88 متر با شیوه ای خاص آن نوشته و در دیزاین کاشی کاری آن مسجد با ماهران افغان عملاً همکاری داشته و به همین مناسبت چند بیتی نیز انشاء کرده و بقلم خود در آنجا به یادگار گذاشته که در حاشیه آن

بقلم شکست چنین نوشته است: «آیات قرآن کریم در اطراف دیوار بیرونی مسجد جامع تاریخی نزدیک پل خشتی کابل در نیمه اخیر سال 1341 هجری شمسی بطول 88 متر تحریر و عملیات کاشی کاری

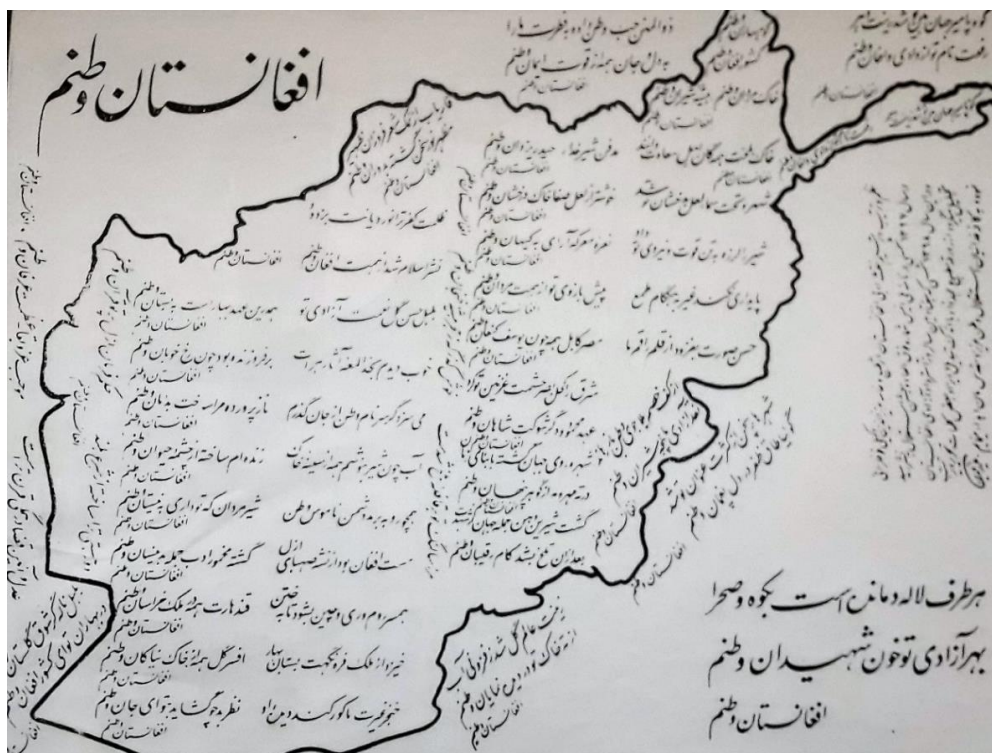
د پانوی شمیره: له 7 تر 12

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنیزی بني پازوالي د لیکوال په غاره ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لوی

آن در کابل توسط ماهرین افغانی تکمیل و تنصیب و عمارت جدید جامع موصوف با وسعت بیش از پیش در سال 1342 شمسی در مرحلهٔ اكمال و اختتام رسید و در همین سال نوشته‌های مسجد جامع پولی تخنیک کابل نیز توسط این اضعف الخطاط انجام یافت.» استاد از بس شکسته نفسی خود را در متن فوق "اضعف الخطاط" یاد کرده، ولی شاگردانش او را "شاهنشاه هنر خط افغانستان" لقب داده‌اند، چنانچه محمد کریم حلیمی این لقب را در فراز یک تقدیرنامه برای استاد بقلم خود ابراز داشته است. استاد بر علاوه آثار متعدد، یکی هم کتابی در بارهٔ "هنر خط در افغانستان در دو قرن اخیر" نوشته که در 219 صفحه در سال 1342ش بوسیلهٔ انجمن تاریخ به چاپ رسیده است. در این کتاب استاد پس از ذکر نام و معرفی خطاطان معروف کشور و نمونه‌هایی از آثار خطی شان در دو قرن اخیر، ضمناً برای ارشاد خطاطان جوان شیوه‌های خطاطی را با انواع ترکیبات حروف به اشکال مختلف به نمایش گذاشته که در واقع یک راهنمای خوب برای شاگردان و علاقمندان هنر خطاطی میباشد.

عشق و علاقه استاد پولزائی را میتوان از محتوای اشعار این کتیبه به عنوان "افغانستان وطنم" به خوبی استنباط کرد و نیز اقامت او در وطن تحت شرایط بسیار دشوار در سالهای خون و آتش که از مصئونیت و امنیت خبری نبود و هر روز عده‌ای را به زندان و نیز به جوقه‌های اعدام می‌سپردند و همچنان در خلال جنگهای داخلی که شهر کابل آماج فیرهای راکت و انواع فشار آزمندان قدرت قرار داشت و هزارها هزار هموطن مظلوم ما مجبور به ترک خانه کاشانه شدند، او در همان قلعهٔ پدیری خود بسربرد. در حالیکه بیشترین اعضای خانواده او به دیار غربت مهاجر شدند، او تنها با خانم و یکی دو فرزند خود در وطن ماند و مشکلات را تحمل کرد، تا آنکه برج قلعه "دیوان بیگی" نیز آماج فیر راکت قرار گرفت و او ناگزیر به یک اپارتمان در میکروریان اقامت گزین شد.



د پانوی شمیره: له 8 تر 12

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولی

درباره آثار خطاطی استاد کافی است که گفته شود: آنچه عیان است، حاجت به بیان ندارد. وقتی سخن از "خطاط هفت قلمی" می آید، باید به چند بیت مولانا عبدالرحمن جامی اشاره کرد که استاد آنرا بقلم خود در خط "شکست" نوشته است و آن اشاره به انواع شیوه های قلم میباشد از قبیل "ثلث، ریحان، محقق، نسخ، توقیع، رفاع، نستعلیق و شکست" که چند نمونه آن در ذیل به نمایش گذاشته میشوند.



بیمورد نخواهد بود در باره روابط باهمی خانواده استاد در اینجا مختصر یادآوری شود: پدر استاد دوبار ازدواج کرد. حاصل ازدواج اول دو پسر و دو دختر بودند که استاد فرزند اول آنها بود و از ازدواج دوم جمعاً سه پسر و هفت دختر بارآمدند که همه آنها در همان قلعه پدری به دنیا آمدند و بزرگ شدند و به مکتب رفتند و صاحب تعلیم گردیدند. استاد فقط یک بار ازدواج کرد و حاصل آن سه پسر (هریک بنامهای عزیزالله، عبیدالله و تیمورشاه) و پنج دختر بودند (بنامهای آسیه، عقیقه، حبیبیه، زهره و لیلیا که اخیر الذکر در جوانی در اثر تصادم موتر وفات کرد). خانم محترمه استاد که الحمدلله

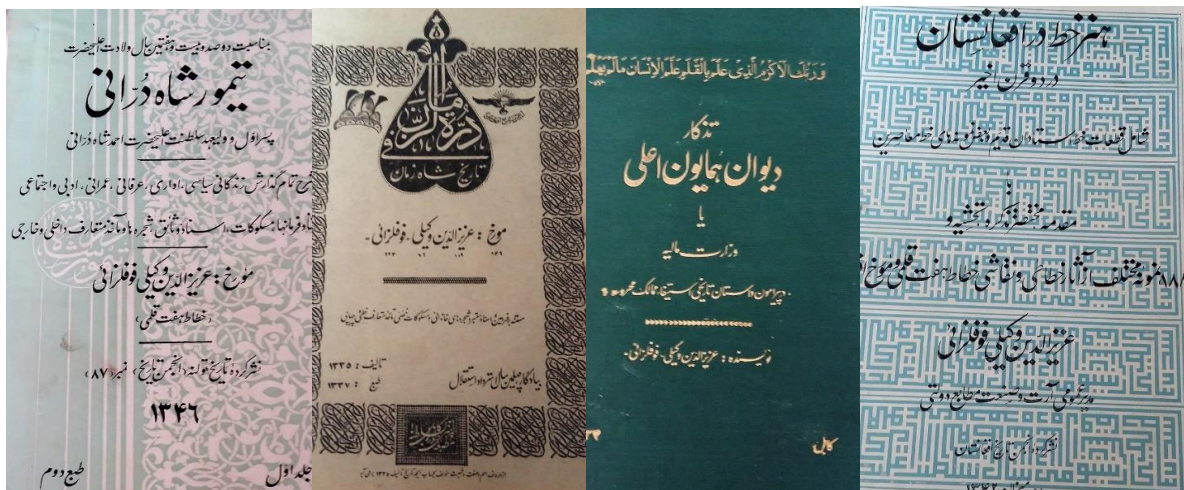
د پانوی شمیره: له 9 تر 12

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولی

حیات و درس کهنوت هنوز هم در کابل اقامت دارد، در طول زندگی مشترک و فراهم آوری تسهیلات لازم همیشه حامی کارهای مسلکی و فرهنگی استاد بوده شخص مهربان و عزیز دوست میباشد. گنجینه فرهنگی استاد اکنون در دسترس پسر شان محترم عبیدالله عزیز وکیلی قرار دارد که برطبق وصیت استاد باید در یک موقع مساعد همه آن به آرشیف ملی و یا یک محل مطمئن فرهنگی از جمله آرشیف جدید التأسيس در پوهنتون کابل نگهداری شوند. کتابهای استاد که تاحال به چاپ رسیده اند، از اینقرار اند:

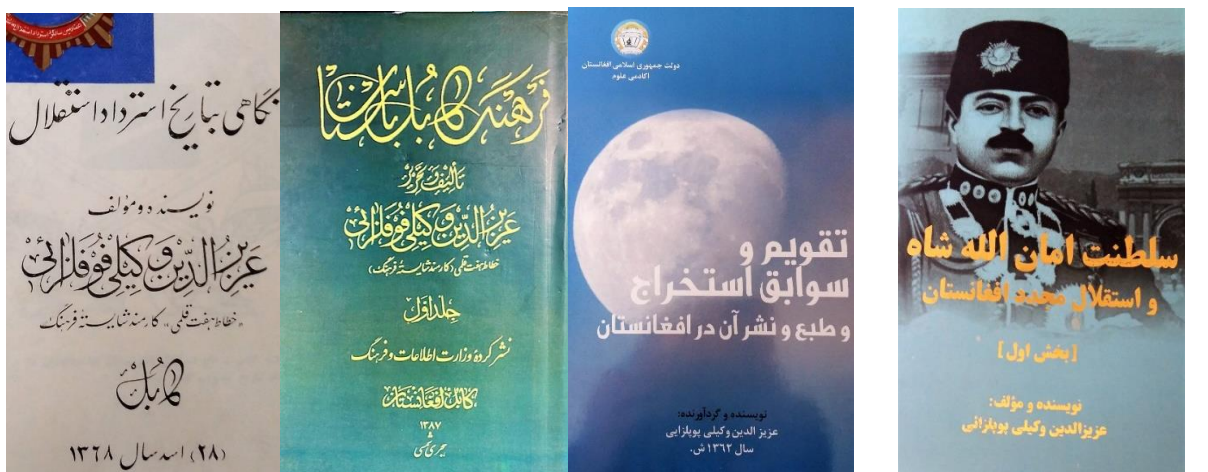
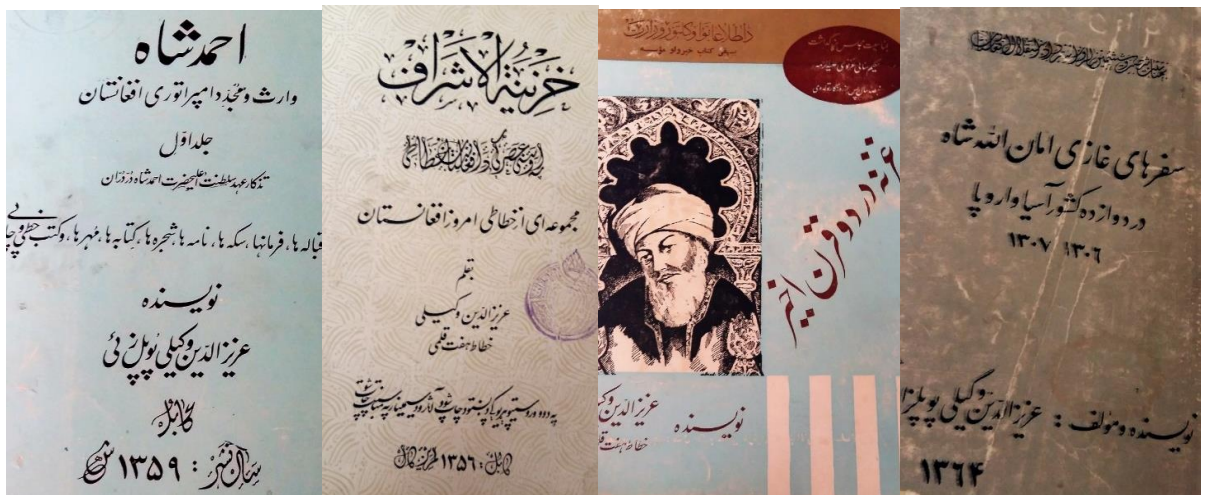
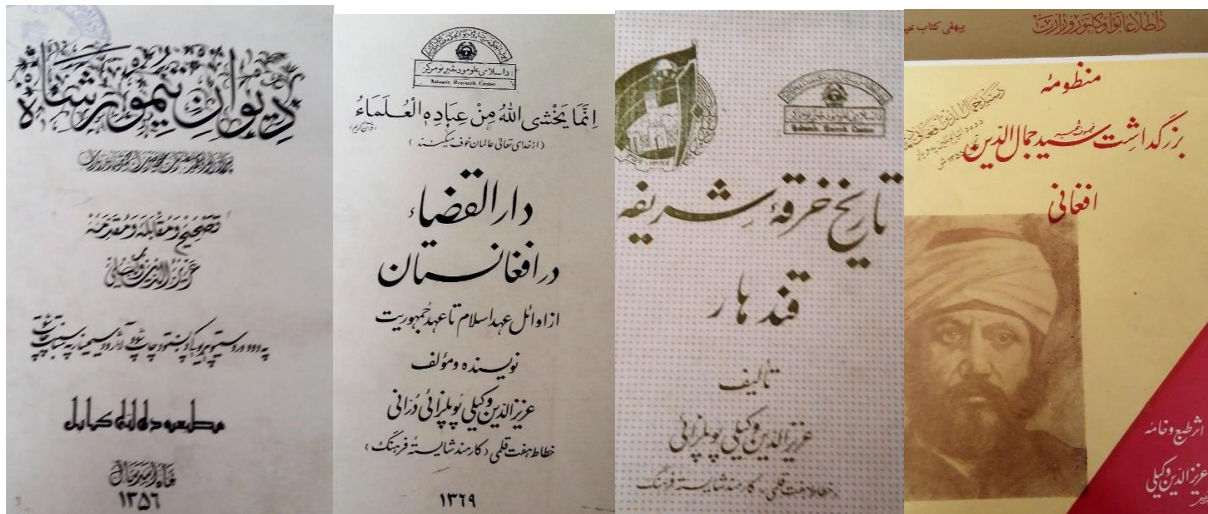
- 1- تیمور شاه درانی، چاپ دوم 1343، انجمن تاریخ، دوجلد، 727 صفحه؛
- 2- دیوان همایون اعلی، 1334، وزارت مالیه (اداره جریده ثروت)، 60 صفحه؛
- 3- درة الزمان (یا تاریخ زمان شاه)، 1335، انجمن تاریخ، 470 صفحه؛
- 4- هنر خط در افغانستان در دو قرن اخیر، 1342، انجمن تاریخ، صفحه 619
- 5- تاریخ خرقة شریفه، 1346، انجمن تاریخ، 88 صفحه؛
- 6- منظومه بزرگداشت سیدجمال الدین افغان، 1355، وزارت اطلاعات و کلتور؛
- 7- دیوان تیمور شاه درانی، 1356، وزارت اطلاعات و کلتور، 223 صفحه؛
- 8- غزله در دو قرن اخیر، 1356، انتشارات بیهقی، 239 صفحه؛
- 9- خزینة الاشراف، 1356، مطبعه دولتی، 310 صفحه؛
- 10- سفرهای غازی امان الله شاه 1364، مطبعه دولتی، 600 صفحه؛
- 11- تاریخ خرقة شریف، چاپ دوم، 1367 مرکز تحقیقات علوم اسلامی، 149 صفحه؛
- 12- نگاهی به تاریخ استرداد استقلال افغانستان، 1368، مطبعه دولتی، 158 صفحه؛
- 13- تحفة المودود، 1368، مرکز تحقیقات علوم اسلامی، 200 صفحه؛
- 14- دار القضاء، 1369، مرکز تحقیقات علوم اسلامی، 734 صفحه؛
- 15- احمد شاه وارث و مجدد امپراتوری افغانستان، 1396، وزارت اطلاعات، 688 صفحه
- 16- ابدالیان قندهار قبل از احمد شاه کبیر، 1396، اکادمی علوم، 617 صفحه؛
- 17- سلطنت امان الله شاه و استقلال مجدد افغانستان، 1396، اکادمی علوم، دو جلد، 1152 صفحه؛
- 18- مختصر تاریخ مطابع و جراید افغانستان، جلد اول، 1397، اکادمی علوم؛
- 19- تقویم و سوابق استخراج و طبع و نشر آن در افغانستان، 1397، اکادمی علوم 242 صفحه.

(نوت: در اینجا باید علاوه کرد که بررسی محتوای هریک از آثار فوق در این مختصر نمی گنجد و نقد هراثر بذات خود ایجاب یک مقاله جداگانه را میکند.)



د پانو شمیره: له 10 تر 12

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپکني د ليکنيزي بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولئ



د پانو شمیره: له 11 تر 12

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکي په خیر و لولی

یک پیشنهاد فوری:

با ملاحظه خدمات برجسته ای فرهنگی و تألیف آثار با ارزش و مهم تاریخی و نیز صداقت و وطن دوستی استاد مرحوم عزیزالدین وکیلی پوپلزائی بدون شک یکی از مشاهیر کشور بوده و سزاوار آنست تا دولت جمهوری اسلامی افغانستان یک لیسه و یا یک جاده را در شهر کابل به نام ایشان مسمی کند و از این رهگذر با احترام به مقام عالی استاد جایگاه شانرا در بین فرهنگیان شهیر کشور جاودانی سازد. امید است این پیشنهاد مورد قبول مقامات دولت قرار گرفته و به اسرع وقت در زمینه اقدام بعمل آید.

در پایان به روح پر فتوراستاد بزرگوار وکیلی پوپلزائی اتحاف دعا کرده، یاد شان را گرامی داشته و از بارگاه الهی برای مرحومی بهشت برین خواهانم. ضمناً از محترم آقای عبیدالله عزیز وکیلی پسر استاد و محترم آقای محمد کامران پوپل که عکس پستی های کتاب و عکس های دیگر منتشره این نوشته را به اضافه بعضی معلوماتها در باره زندگی استاد برابم از کابل ارسال داشته اند، ابراز سپاس میدارم. همچنان از محترم آقای انجنیرمحمد داؤد وکیلی برادر زاده استاد و خواهر زاده اینجانب که نمونه های خطاطی استاد را در اختیارم گذاشتند، صمیمانه تشکر میکنم. داکترسیدعبدالله کاظم

د پانو شمیره: له 12 تر 12

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ